

اهداف کتاب

هدفهای کلی

- فراهم آوردن اطلاعات لازم و کافی برای دانشجویان رشته تکنولوژی آموزشی در زمینه آشنایی با مراکز، مواد و منابع آموزشی و «طراحی مراکز یادگیری».
- ایجاد شرایط مناسب برای یادگیری از طریق ارائه خدمات و تدارک مواد و منابع آموزشی و یادگیری متناسب با نیازهای کاربران مخاطب.
- آشنایی با چگونگی فراهم آوردن شرایط یادگیری مادام‌العمر برای کاربران.
- آشناسازی دانشجویان این رشته از علوم تربیتی با مواد و منابع موجود در مراکز یادگیری و مراکز مواد و منابع آموزشی و یادگیری.
- دادن آگاهیهای لازم برای دانشجویان دانشگاهها و مراکز تربیت معلم در مورد نقش این مراکز در آموزش و یادگیری.
- فراهم کردن یادگیری در جهت رشد و پیشرفت کیفی آموزشی و یادگیری در ارتباط با رشد آگاهی و شناخت کاربران.
- ایجاد شرایط یادگیری مناسب در جهت ارتقای سطح آگاهی و عملکرد دانشجویان این رشته برای کاهش هزینه‌های سرانه آموزشی - یادگیری.
- فراهم کردن امکانات دستیابی فراگیران این رشته از علوم تربیتی به منابع، مراجع و موضوعات این رشته.
- کاربردی کردن تکنولوژی آموزشی و خلاصه کردن آن در برخورد عملی با جامعه امروزی.

هدفهای ویژه

- معرفی مفاهیم و اصطلاحات مربوط به این درس.

- ارائه ریز مطالب، تعریف کلید واژه‌ها و اصطلاحات لازم برای درک پایه‌ای این درس.
- ارائه راهبردهای لازم در جهت به روز در آوردن دانش و مهارت دانشجویان این رشته.
- ارائه دانش لازم برای ایجاد محیطی پویا و غنی در جهت یادگیری بر اساس نیاز و لذت.
- ایجاد علاقه و تمرین در جهت مطالعه بیشتر در زمینه موضوعات این کتاب.
- فراهم کردن شرایط و راهبردهای لازم برای یادگیری خودجوش و خودمحران.
- پرورش ایده‌های جدید در زمینه کاربردهای عملی تکنولوژی آموزشی.
- قابل فهم کردن مطالب یادگیری از طریق جزء به جزء کردن مطالب.
- آشنا کردن دانشجویان این رشته با مراکز مواد و منابع آموزشی در مراکز یادگیری.
- ارائه اطلاعات و آگرا و همگرا در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و آموزشی این رشته.
- آماده‌سازی دانشجویان برای کسب و استفاده از اطلاعات و دانش روز دنیا و به کارگیری فناوری جدید اطلاعات در این زمینه‌ها.
- ارائه ایده‌هایی در زمینه منابع، انعطاف پذیر بودن اطلاعات و یادگیری آنها.
- ارائه منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر در این زمینه.

هدفهای رفتاری

- در صورتی که دانشجو و مخاطب کتاب حاضر در جهت اهداف این کتاب از امکانات و منابع یادگیری آن با توجه به اهداف فوق استفاده کند، نسبت به این موضوعات آگاهی و مهارت کسب می‌کند:
۱. بهداشت دانشی خود را در زمینه تکنولوژی آموزشی به طور کاربردی تشریح می‌کند.

۲. اصول طراحی و ایجاد و راه‌اندازی یک مرکز مواد و منابع آموزشی - یادگیری را توضیح می‌دهد.
۳. اصول طراحی، ایجاد و راه‌اندازی یک مرکز فراگیری را با استفاده از نمونه تشریح می‌کند.
۴. بخشهای مختلف یک مرکز را حداقل با ۸۵ درصد دقت و صحت با شرح فعالیت‌هایشان می‌نویسد.
۵. در هنگام در اختیار داشتن بودجه لازم می‌تواند یک مرکز فراگیری را راه‌اندازی و مدیریت کند.
۶. بودجه لازم برای سرانه کاربران را برآورد نماید.
۷. نقش و وظایف کارکنان این قبیل مراکز را بنویسد.
۸. اقتصاد فضا، انرژی، منابع و اطلاعات را تشریح کند.
۹. اصول اولیه انتخاب و ارزیابی مواد و منابع آموزشی - یادگیری را توضیح دهد.
۱۰. با استفاده از منابع کتاب حاضر و کتابهای پیشنهادی، آخرین اطلاعات تکنیکی در زمینه مورد نیاز خود را پیگیری و کسب کند.
۱۱. با آگاهی از اصول راه‌اندازی مراکز مورد نظر از مشکلات اطلاع‌رسانی و نحوه ارائه خدمات پیشگیری کند.
۱۲. آگاهی او از محتوای این کتاب سبب پیشگیری از هرگونه اتفاقاتی می‌گردد که موجب هدر رفتن وقت و انرژی و بودجه می‌شود.
۱۳. او با استفاده بهینه از امکانات فناوری اطلاعات، سرعت و دقت لازم را برای ارائه خدمات اطلاع‌رسانی به عمل می‌آورد.
۱۴. وی مراقبتهای ویژه و اداری لازم را برای ترغیب کاربران به سوادآموزی جدید به کار می‌بندد.

«در آینده بی‌سواد کسی نیست که نمی‌تواند بخواند، بلکه کسی است که یاد نگرفته است چگونه یاد بگیرد».

الوین تافلر

پیشگفتار

من و دو همکار دیگر در سال ۱۳۵۶ از سوی شبکه ۲ آموزشی سازمان رادیو و تلویزیون ملی سابق که به ریاست دکتر فرهاد صبا اداره می‌شد، مأموریت یافتیم که پس از گذراندن یک دوره تفصیلی، که طی نه ماه در این شبکه برگزار شده بود، به چند شهرستان رفته و برای اولین بار در ایران مراکز فراگیری را راه‌اندازی کنیم. ما سه نفر از جمله ۳۶ نفر تکنولوژیست آموزشی بودیم که با هم این دوره کارآموزی حرفه‌ای را نخستین بار به وسیله ۶ دانشگاه امریکایی در یک کنسرسیوم علمی-فرهنگی با تلویزیون آموزشی ایران گذرانده بودیم. اینجانب به مشهد رفتم و آنان به کرمانشاه و شیراز رفتند. در مورد تاریخ دقیق بازگشایی مراکز فراگیری در آن شهرها چیزی به خاطرمانده، اما می‌دانم که هر دوی آنها بعد از مرکزی که اینجانب در مشهد در سال ۱۳۵۶ افتتاح کردم تأسیس شدند. بعدها هم مراکز دیگری در ساری، اصفهان و ارومیه در حال راه‌اندازی بودند که انقلاب اسلامی شروع شد و فعالیت آنها تا امروز به تعویق افتاد.

ما به این دلیل این مراکز فراگیری را راه‌اندازی کردیم تا در یک طرح نوآورانه تلویزیون آموزشی مانند یک تجربه آموزشی نو تحت پروژه یادگیری از راه دور- که امروزه در دنیا رواج یافته و با عنوان آموزش و یادگیری مجازی یا دانشگاه الکترونیک شهرت یافته است، شرکت کنیم. اما به دلیل عقب افتادن بخش تولیدی برنامه‌ها و برنامه‌ریزیهای لازم برای هماهنگی مراکز فراگیری با برنامه‌های

تلویزیون آموزشی سابق، قرار شد به سایر کارهای مرکز فراگیری پردازیم و مرکز را تا حد امکان با مسائل آموزشی و یادگیری محلی استانها ارتباط دهیم و برای زمینه‌های کاربردی و محلی آن برنامه‌ریزی کنیم. برای این کار لازم بود که با سازمانها و ارگانهای ذی‌ربط استان تماس بگیریم و مسئولان آموزشی ارگانهای ذی‌نفع را از وجود مرکز مطلع سازیم و سپس بر اساس نیازهای مطرح شده برنامه‌هایی را تنظیم و با موافقت تلویزیون آموزشی بتوانیم در زمینه‌های عملی کار کنیم.

مرکز فراگیری مشهد نقطه عطفی در گسترش اهداف کاربردی فناوری آموزشی شد که بعدها پس از بازگشایی دوباره دانشگاهها، اینجانب به همراه چهار نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاههای کشور (آقای دکتر احدیان، خانم دکتر دبیری اصفهانی، خانم دکتر فاضلیان و آقای دکتر لطفی‌پور) در هسته مرکزی هیئت مؤسس تکنولوژی آموزشی در ستاد انقلاب فرهنگی برنامه‌های تأسیس آن را در پنج دانشگاه کشور - تهران، اهواز، تبریز، علامه طباطبایی و تربیت معلم تهران - بنیاد نهادیم. کاری که ما آغاز کردیم نهضتی شد تا افراد با ذهنیات و خصوصیات مختلف بتوانند دست کم شناخت اندکی از تکنولوژی آموزشی به دست آورند. هدف ما ایجاد مرکزی بود که مردم را به طور عام و مسئولان آموزشی، معلمان و دانش‌آموزان را به طور خاص با پدیده جدید تکنولوژی آموزشی آشنا سازد.

چند ماه اولی که صرف یافتن جا و محل متناسب با اهداف این مرکز شد، از جمله سخت‌ترین کارهای ایجاد یک مرکز فراگیری بود. باید جایی انتخاب می‌شد و سپس با تهیه نخستین امکانات اولیه اداری و خدمات آموزشی - یادگیری برای مرکز، به صورت یک مرکز فراگیری با هدفهای از پیش تعیین شده به صورت فعال، آماده اطلاع‌رسانی می‌شد. اگر سوابق گذشته این مرکز باقی مانده باشد، به خوبی نشان می‌دهد که در روزها و هفته‌های اول، این عنوان، یعنی «مرکز فراگیری مشهد»، چقدر برای اهالی این شهرستان دور از ذهن و غیر مترقبه بود. به همین دلیل علی‌رغم نامه‌نگاریهای بسیار و تلفنهای متعدد و گذاشتن جلسات متعدد با مقامات و مسئولان استان، در آغاز استقبال چندانی از این پدیده آینده‌نگر نشد. تا اینکه به تدریج با به‌کارگیری امکانات آموزشی برنامه‌ای که از طریق رایانه‌های ساده و اولیه آن زمان

به کار رفت و در مدارس عقب‌ماندگان ذهنی استان با استقبال زیادی روبه‌رو شد، توانستیم تعداد مراجعان را از صفر به حدود ۷۰۰ الی ۸۰۰ نفر در ظرف چند ماه برسانیم. البته این تعداد بازدید و کاربری از مرکز به صورت هم‌زمان انجام نمی‌گرفت تا با مشکل ظرفیت و فضا روبه‌رو شویم، بلکه با گسترش ساعات فعالیت مرکز از ۸ صبح تا ۸ شب، گروه‌های مختلف از مرکز بازدید کردند و به تدریج با یاد گرفتن نحوه استفاده از منابع و آشنا شدن با امکانات آن، از مواد تصویری به صورت فیلم ویدئویی و نوارهای صوتی، کتابها و جزوه‌ها استفاده نمودند.

این تجربه کوتاه از مرکز فراگیری در ایران، اصول و زمینه کاری و راهبری لازم را برای کتاب حاضر فراهم ساخت. چنین زمینه‌هایی به علاوه داده‌های جدید این رشته از علوم اطلاع‌رسانی، یادگیری و آموزش با مبانی روان‌شناسی شناخت در آمیخته تا شالوده این کتاب را به عنوان پیش‌قراولی مکتوب فراهم آورد. باشد که راهنمایی عملی و قدم به قدم برای دانشجویان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته تکنولوژی آموزشی باشد. گرچه بعضی از فصول این کتاب به طور فشرده‌اند، اما با تمرینها و پرسش و پاسخهایی که در هر فصل وجود دارد، سعی شده است مفاهیم مربوط به صورت پرسش و پاسخ میان فراگیر و راهنما گفتگویی را به وجود آورد تا در نتیجه آن مفاهیم کلی بیشتر باز شوند.

این کتاب، گرچه نشان‌دهنده تمایلات و تجربیات شخصی از یک مرکز فراگیری است و نقشی که در رشته تکنولوژی آموزشی دارد، اما در مقیاس جهانی، نمونه‌های عملی آن را می‌توان در بسیاری از کشورهای دیگر از جمله کشورهای اروپایی و امریکای شمالی و پاره‌ای از کشورهای رو به رشد از قبیل امریکای لاتین، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و حتی به نوعی در هند مشاهده کرد.

درسی که امروز در رشته تکنولوژی آموزشی با همین نام یا با عنوان «آشنایی با مراکز مواد و منابع آموزشی» وجود دارد الهام گرفته از شرح درسی است که اینجانب در سال ۱۳۶۲ در ستاد انقلاب فرهنگی نوشته و با این کتاب آن را به طور روزانه با شرایط فرهنگی امروز تطابق داده‌ام. محتوای این کتاب تا حدودی گسترش یافته دامنه اطلاعاتی همان شرح درس است.

تجربیات و دامنه اطلاعات علمی طی ۲۵ سال گذشته اجازه داده است که با توجه به رویدادهای جاری، نظام آموزش و پرورش جدید بر محور یادگیری خودگستر مطالب این کتاب روزآمد شود. بنابراین انتظار ندارم توانسته باشم در مقایسه با منابع الکترونیکی موجود، اطلاعات پراکنده و روزآمدی را مطرح کنم، بلکه سعی اینجانب در تمام مراحل، محدود کردن بحثها به زمینه‌هایی بوده است که برای راه‌اندازی یک مرکز فراگیری به صورت عملی و ممکن لازم است. امید می‌رود که نسل آینده بتواند در روند تکاملی این فناوری جدید یادگیری، قدمهای استوارتر و مهم‌تری را بردارد تا نهال تکنولوژی آموزشی بتواند با تجربیات جدیدی که در دنیای امروزی به خصوص در کشورهای رو به رشد با رواج فلسفه شناختی و یادگیری خودگستری هر روز در حال پیشرفت است، تحولات آن را برای فراگیران آینده پایدارتر سازد.

در طول تألیف این کتاب، در حالی که بیشتر تجربه‌های نویسنده در تدریس مطالب و محتوای جاری در طی سالیان متعدد و در کلاسهای درسی دانشگاههای مختلف مورد توجه قرار داشته، سعی شده است تا مفاهیم و موضوعات پس از ارزیابیهای گذشته دانشجویان این رشته توضیح داده و تدریس شود. برای همین منظور و با استفاده از تجربه‌های گذشته، در هر فصل، بنا به مقدار مباحثی که مطرح گردیده، تعدادی نکات به صورت «تمرین و پرسش» آورده شده تا فراگیر بتواند در همان مرحله میزان یادگیری خود از موضوعات مورد بحث را اندازه‌گیری و تقویت نماید. این امر بهتر است مورد توجه قرار گیرد که هدف از این تمرین و پرسشها که در کادری مشخص قرار داده شده‌اند صرفاً کمک به مرور محتوایی است که در آن مبحث تدریس گردیده است. این امر می‌تواند در رسیدن به اهداف کلی و رفتاری هر فصل نیز کمک نماید و باعث یادگیری بهتر مطالب کتاب شود. در پایان هر فصل نیز تعدادی منابع و مراجع برای مطالعات بیشتر در مورد محتوای فصل، پس از ارائه خلاصه‌ای در پایان هر فصل ارائه گردیده است. امید آنکه، در عمل ماحصل تجربه تدریس چند ساله این درس بتواند مفید واقع شود.

مقدمه

بدون شک ورود جهان به هزاره سوم تمدن بعد از میلاد مسیح و اوج عصر اطلاعات - که از نیمه دوم قرن بیستم، یعنی بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شده - پدید آورنده مناسبات جدیدی در عرصه حیات اجتماعی بشری است و همراهی با این حرکت در گرو تغییرات اساسی در پرورش توانمندیهای انسان امروزی است. درک چهارچوبهای جدید و امکان همسویی با آن به فرهنگسازی جدیدی نیاز دارد که صرف هزینه‌هایی را در بسترسازی فرهنگ فناوری و نیروی انسانی ماهر مدنظر قرار دهد و بتواند با شتابی که سرعت تغییرات امروزی ایجاب می‌کند، بهبود کمی و کیفی در شناخت انسان امروزی ایجاد کند (Routman, 1994).

در گذشته مدرسه و ساختار آموزشی آن، به منزله یک سازمان دربرگیرنده، دو مؤلفه اصلی پرورش یعنی معلم و شرایط آموزشی داشته است. گرچه آموزش را باید فعالیتی اجتماعی در نظر گرفت که متناسب با سطح فرهنگ و تمدن هر جامعه شکل می‌گیرد تا مشاغل، نهادها و سازمانهای ویژه‌ای را پدید آورد، اما تغییرات این فعالیت، فرهنگ و زمینه این فعالیت را پیوسته در طول تاریخ دستخوش تغییراتی ساخته است که امروزه به صورت مقوله خاص سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کلیه مراحل زندگی مان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همراه با سیر تحولات عظیمی که بیش از پیش رو به افزایش است، تغییر رویکردهای روزمره از «فناوری مولد» به «فناوری اطلاعات» دگرگونی شدیدی را در تلقی این فرهنگ و نظام انتقال دانش از یک نسل به نسل دیگر به وجود آورده است. این دگرگونیها نیز به نوبه خود محیط مناسبی را برای تحقق اهداف کلان معرفت‌آموزی فراهم می‌کند. امکانات اطلاع‌رسانی و فناوری مربوط شرایطی را به وجود آورده که مثلث مدرسه، معلم و

کتاب را با انتظارات روزافزونی که از این سه رکن اصلی آموزشی می‌رود در هم آمیخته است و این امکانات موجب شده در جهت افزایش کارایی و عملی‌تر کردن شرایط مطلوب انتقال دانش و ارتقای «سواد اطلاعاتی» افراد، گام‌های جدیدی برداشته شود. استفاده از «یادگیری» به جای «آموزش» تحول انقلاب گونه‌ای است که هم اکنون زمینه‌های آن را فراهم‌تر می‌بینیم. این آمادگیها زمینه بروز «خلاقیتها» و تعمیم «خودگستری (self-development) بر اساس لذت رفع نیاز دانشی» را در یک فضای دموکراتیک‌سازی فراگیری حرکتی در جهت نیل به اهداف ارتقای سواد به معنی کلان آن آغاز کرده است.

در این کتاب سعی شده است تا راهکارهای عملی جدید مبتنی بر طراحی، راه‌اندازی و انتخاب منابع اطلاع‌رسانی مفید در این زمینه با ارائه رهنمودهای قدم به قدم در موضوعاتی از قبیل مدیریت، خدمات، نحوه ارزیابی و سایر ویژگیها و مزایای مراکز فراگیری به جای معلم، کتاب و کلاس مطرح شود. هدف از تألیف این کتاب نادیده گرفتن ارزش معلم و نقش کلاس و محیط مدرسه در یادگیری نیست، بلکه برعکس ارتقای نقش راهبردی معلم از مرشد به راهنماست. تأکید ما بیشتر بر این است که در سیر تحولات عظیم و تجهیزات روزافزونی که در حال شکل‌گیری است محیط جدید درهم‌تنیدگی بسیاری را در مفاهیم معلم، کتاب، کلاس و مدرسه به وجود می‌آورد که دیگر نقش معلم را به صورت ساده آموزشی در نمی‌آورد. نقش معلم بسیار پررنگ‌تر از نقش سنتی او در کلاس درس و حیطه نفوذ وی نه فقط به مدرسه بلکه به تمامی اوقات و شرایط راهنمایی در یادگیری تسری می‌یابد. علاوه بر این، در این کتاب سعی داریم با انتخاب چنین دیدگاهی، علاوه بر کاهشی که در فاصله میان فراگیر و معلم و نقشهای اجتماعی مشاغل به وجود می‌آید، افزایش سواد متناسب با نیاز افراد را در یک جامعه میسر گردانیم. همچنین عدالت اجتماعی با توجه به همخوانی سواد اطلاعاتی با سیر تحولات عظیم و تغییرات شگرف امروزی در زمینه اطلاعات و مشاغل اجتماعی و سازمانهای جدید ممکن گردد.

یکی از مسائلی که شرایط امروز را پیچیده‌تر ساخته این است که با

گره خوردن ارکان اجتماعی جدید زندگی در عصر حاضر، این طور به نظر می‌رسد که دوره نوجوانی - که دوره لازم‌التعلیم است - طولانی‌تر شده و مرز میان کودکی و بزرگسالی نامشخص شده است. اعمال معینی نظیر به دست آوردن حق رأی و اجازه رانندگی توجیحات عجیبی یافته است. اما به نظر نمی‌رسد هیچ یک از این مراحل تضمینی برای آن باشد که نوجوان برای قبول مسئولیتهای لازم آمادگی دارد. به نظر می‌رسد اطلاع‌رسانی در چنین جامعه‌ای در چهارچوب مدارس سنتی نمی‌گنجد. اطلاع‌یابی و اطلاع‌رسانی فرایند جدیدی را می‌طلبد که در یک عدالت همه‌جانبه اجتماعی مطرح می‌شود.

بنابراین اگر بخش مهم اطلاع‌یابی و افزودن حجم دانش موجود در حافظه هر کسی منوط به ایجاد ارتباطی پویا و مقتضی تعاملی گسترده با محیط باشد، پس ارتباط و مبانی اطلاع‌رسانی پایه و اساس رشد دانش فرد تلقی می‌شود. نکته مثبت و با اهمیتی که در امر ارتباط مطرح می‌شود پیدایش نوعی امنیت عاطفی است که در فرد، اطلاع‌جو یا و فراگیر (به معنای عام) حاصل می‌شود. نکته مثبت دیگر تقویت جنبه تعاملی یادگیری است. در فرایند یادگیری نباید نظام و دستگاه اعصاب مرکزی فرد را به صورت مسیر یکطرفه در نظر گرفت که در آن اطلاع فقط از طرف معلم به حافظه بلندمدت فراگیر در حرکت باشد. نظریات ویگوتسکی (۱۹۷۸) در این مورد که اساس رشد دانش و فعالیت ذهنی کودک ناشی از صحبت و تعامل با دیگران است، امروزه مجدداً مورد توجه قرار گرفته است. وی در مطالعات خود در مورد کودکان، توجه محققان را به اهمیت فرایند ارتباط در ساخت مفاهیم جلب می‌کند. وی برای وضع اجتماعی یادگیری در رشد فرایند ذهنی، اهمیت خاصی قائل است. یادگیری خودجوش و فعال، به ویژه به وسیله رایانه، فرصت تعامل، انتخاب، تصمیم‌گیری و ارتباط وسیع‌تری را برای فراگیری ایجاد و زمینه تسهیل یادگیری را فراهم می‌کند.

یادگیری به کمک نرم‌افزارهای میانجی‌روش جدیدی است که به عامل رابطه اجتماعی در یادگیری اهمیت داده و در ضمن به تفاوت‌های فردی هم توجه می‌کند. این نوع یادگیری غیرمستقیم برخلاف تماس مستقیم، زمانی صورت

می‌گیرد که واسطه‌ای برنامه‌ریزی شده میان یادگیرنده و محیط آموزنده برای تفسیر وقایع وجود داشته باشد. ارتباطات کلامی نوشتار همراه با تصاویر فضایی و گرافیکی به تسهیل یادگیری کمک می‌کند. به طور خلاصه، فایده این روش برای فراگیران خردسال و بزرگسال ضمن تأمین تمایلات فردی و توجه به تفاوت‌های فردی این خواهد بود که یادگیری ذهنی را با روحیه فراگیر سازگار ساخته، امکان همانندسازی ذهنیات را با واقعیات جدید یاد گرفته شده به وجود آورند. فراگیر می‌تواند با ارزشیابی مستقیم از اطلاعات ارائه شده، بهترین موضوعات را در سطوح خود انتخاب کند.

بدین ترتیب، گروهی از صاحب‌نظران صرف هزینه‌های سنگین در امر آموزش و پرورش را به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به رشد و سلامت اقتصادی بخش‌های دولتی و خصوصی مورد شک و تردید قرار داده، نظاره‌گر کاهش کمک‌های دولتی در این بخش و بروز بحران‌های مالی شدید آن گردیده‌اند (شیرازی، ۱۳۷۲). از سوی دیگر تغییر مفاهیم آموزش و پرورش به بازآموزی‌های دوره‌ای یا کارآموزی‌های موضعی، که بر نیازهای پیش‌آمده در روز مبتنی است، ممکن است بیانگر چگونگی تغییر نقش برنامه‌های اطلاعاتی و اطلاع‌رسانی کشور و برنامه‌ریزان آموزشی باشد. بعد از جنگ جهانی دوم موارد مربوط به رشد و توسعه ملی مهم‌ترین موضوع در جوامع بین‌المللی تلقی شده است. امروزه این امر با توجه به پویایی وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ملل بر پایه تغییرات و پیشرفت فناوری‌های جدید، ورود به دنیای فرا صنعتی، گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی و مبتنی‌گشتن اساس قدرت و پیشرفت بر اطلاعات عواملی را شکل داده‌اند که به طور نظام‌مند سرعت تغییرات روزمره را شدت بخشیده‌اند. به همین دلیل برای تطابق با این پویایی و تعامل با شرایط پیش‌آمده نیازمند سرعت بخشیدن هر چه بیشتر بر یادگیری‌های ممکن از منابع اطلاعاتی شده‌ایم (افضل‌نیا، ۱۳۶۶).

بحران مالی در آموزش سرانه به دنبال بحران مالی دولتها، به ویژه در دهه ۱۹۷۰، موجب کاهش حمایت از نظام آموزشی شده و شش دلیل عمده را به عنوان

عوامل بازدارنده در تداوم وضعیت آموزشی کشورها پدید آورده است، از قبیل: بیکاری افراد تحصیل کرده، مهاجرت تحصیل کردگان به دیگر کشورها، افزایش رقابت برای مدارک تحصیلی بالاتر، کاهش کیفی دانش فارغ‌التحصیلان، عدم تساوی بین نظامهای آموزشی مختلف و شک و تردید در بازدهی آموزش و پرورش (شیرازی، ۱۳۷۲). این عوامل و نیز تردید مردم در مورد منافع فردی و عمومی و آینده آموزش و پرورش بحرانهای جدی‌تری را در تأمین بودجه نظامهای آموزشی در سراسر دنیا به وجود می‌آورد. این تحولات همراه با اصلاحات و بهبود و پیشرفت روزافزون امکانات فرا تکنولوژیک در امر اطلاع‌رسانی و پیدایش شبکه‌های الکترونیکی اطلاعات به صورت رایانه‌ای صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان خود را با نقشی روبه‌رو ساخته که ناگزیر از انطباق با شرایط پیش آمده در جهت‌های جدیدند. آنان در مواجهه با وخامت اوضاع آموزشی، سرعت گرفتن تغییرات اجتماعی و در نتیجه تقاضاهای روزافزون از نظام آموزشی راههایی را برای افزایش منابع یادگیری و بهبود کارایی منابع بر آمده برگزیده‌اند. شاید در این رویه بتوانیم با کاستن از هزینه‌های ملی، افزایش کاراییها و مؤثرتر کردن یادگیریهای مفید و مربوط به زندگی، موضوع پرورش استعدادها را با واقعیات زندگی، بهتر آشتی دهیم.

اگر زمانی نظام آموزش و پرورش به صورت یک نهاد اجتماعی پاسدار فرهنگ و انتقال دهنده آن به نسل جوان‌تر در نظر گرفته می‌شد، که نسلی را برای قبول تعهدات و مسئولیتهای اجتماعی در هر زمان آماده می‌ساخت، اکنون دیگر نمی‌توان آن را به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده و متعادل‌ساز تغییرات در همه جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، هنری و غیره قلمداد کرد (شایگان، ۱۳۸۱). در رابطه با این نوع ارزش‌گذاری جدید، نیازهای پیش‌آمده جاری در سطح جهان و تغییرات روزمره در همه سطوح، چشم‌اندازهای اطلاعاتی بشر امروز در ارتباط با جامعه و ابعاد مختلف زندگی، موضوعات جدیدی مطرح می‌شود. یکی از این موضوعات ورود ما به عصر دیجیتالسم و فرهنگ جهانی و غلبه روزافزون فناوری جدید الکترونیکی اطلاعات است که سواد جدیدی را از نوع رایانه‌ای خواندن و

ابرمتنهای تعاملی (interactive) ایجاب می‌کند. این سوادآموزی جدید ما را به طور وسیعی وارد جرگه کشورهای ملتهب می‌کند که نتیجه آن اشتیاق فراوان نسل جوان و آینده برای نیل به پیشرفتهای سریع اجتماعی است. نتیجه دیگر آن نیاز و افزایش تصورنشدنی آگاهیهای عمومی است که بیشتر در قالب خودگستری و در رابطه با نیازهای فردی صورت می‌گیرد.

التهابی که کشورهای روبه‌رشد از آن رنج می‌برند. نتیجه بیداری بزرگ در آنان است که پیامدهای چندجانبه‌ای را به صورت تشکیل نهادهای جدید اجتماعی اطلاعاتی دربر دارد. بدیهی است این همه تغییرات، ضرورت بازننگری سرمایه‌گذاریهای ملی را در امر آموزش و پرورش و سوادآموزی به نفع کاهش هزینه سرانه یادگیری و جایگزین‌سازی تدریجی مراکز جدید فراگیری به جای مدارس سنتی غیر مفید نشان می‌دهد. اما اینکه جایگزینی فوق چگونه باید صورت پذیرد، موضوعی است که در فصلهای مختلف توضیح می‌دهیم.